

## سیر تاریخی تحول اعجاز ادبی قرآن در معاصر

### مبنتی بر نظام‌وارهٔ اعجاز قرآن\*

جواد جوان<sup>۱</sup>

سیدرضا مؤدب<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳، صفحه ۱۳ تا ۴۴ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

به شهادت تاریخ، اعجاز ادبی قرآن از اولین عوامل جذب مخاطب اولیه و تعجیز آنان بوده است. لیکن برخی مدعی قوت اثری اعجاز ادبی در دوران متقدم و تضعیف آن در معاصر با رواج اعجاز معنوی یا محتوایی هستند؛ لذا پژوهش حاضر در پی شناسایی سیر تحول اعجاز ادبی قرآن در معاصر است. از این روش پژوهش حاضر تحلیلی و توصیفی، حاصل گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی در منظومه آراء فریقین است و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد؛ نمی‌توان اعجاز و وجوه آن را مستقل و در عرض هم، و یا مستقل اما بی‌ارتباط به هم دانست، بلکه طرح «نظام اعجاز قرآن» در پژوهش حاضر، همهٔ وجوه اعجاز از جمله وجوه ادبی را که دارای سیر صدور مستمر تا به معاصر است، مرتبط به هم و تشعشی از نور حقیقت اعجاز بر مدار هدف نزول قرآن، یعنی هدایت‌گری قرار می‌دهد که تطبیق آراء قدما و معاصران نیز با سیری متفاوت، اما مؤید آن است. **کلیدواژه‌ها:** اعجاز ادبی قرآن، تحول اعجاز ادبی، نظام اعجازی قرآن، سیر تاریخی، فریقین، معاصر.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول):

alshia@chmail.ir، ۰۹۱۵۸۲۳۵۱۳۲

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران، sr-moaddab@qom.ac.ir

\*این پژوهش مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد است.

## درآمد

راه تضمین سعادت بشر تمسک و تعمق در قرآن و تعالیم آن از جمله اعتقاد به نبوت است که راه فهم ضرورت بهره‌مندی از قرآن و اثبات صدق نبی<sup>۱</sup> و باورمندی به اعجاز قرآن است، اما با وجود وضوح اعجاز قرآن لیکن مورد غفلت است و محدود به مجامع علمی شده است. بنابراین تفهیم اعجاز قرآن، انقلابی در جذب مخاطبان و جهانی‌شدن قرآن دارد. بررسی تاریخی حاکی از وجوه مختلفی برای اعجاز دارد که از اولین وجوه مورد توجه مخاطب اولیه قرآن، اعجاز ادبی است. اما مسئله پژوهش حاضر کاربرد و تحول اعجاز ادبی قرآن است که آیا عصری و تنها شامل عصر نزول بوده یا در دوره معاصر نیز کارآمد است؟ سیر تحول اعجاز ادبی در دوره معاصر چه نتایجی دربردارد؟ فرضیه‌های پژوهش حاضر ناظر به توفیقی‌بودن الفاظ قرآن و مصونیت آن از تحریف لفظی<sup>۱</sup> حاکی از اهمیت، اعتبار و پشتوانه قوی آن برای دیگر وجوه است. هدف اصلی پژوهش بررسی سیر تاریخی صدور نظریات اعجاز ادبی از منظومه آراء علما از قداماً<sup>۲</sup> تا به معاصران<sup>۳</sup> به‌عنوان مرزداران اندیشه و اعتقادات اسلام ناب برای تحول‌شناسی اعجاز ادبی بوده است؛ زیرا بدون توجه به سیر تاریخی و تطور آن، تحول‌یابی تلاشی ناتمام است. این پژوهش با دیگر پژوهش‌های مشابه همچون پایان‌نامه آقای رضوان‌باغبانی در دانشگاه تربیت مدرس به نام «سیر تحول اندیشه اعجاز ادبی قرآن کریم از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری» که به بررسی آثار اعجاز ادبی تا قرن پنجم و همچنین با مقاله ایشان و همکاران به نام «اعجاز ادبی قرآن کریم و سیر تطور آن» که با مطالعه موردی در آثار قرون دوم و سوم است، متفاوت است. دستاورد این پژوهش بررسی سیر تاریخی تحول اعجاز قرآن در معاصر با رویکرد تطبیقی از فریقین و مبتنی به ارائه طرحی نو به نام «نظام اعجاز قرآن» است که هیچ پیشینه‌ای ندارد.

<sup>۱</sup> ویژگی منحصربه‌فرد قرآن در بین کتب آسمانی و بشری است.

<sup>۲</sup> از عصر نزول تا اواسط قرن سیزدهم.

<sup>۳</sup> شامل دو‌یست سال اخیر.

## طرح مسئله

### ۱. طرح «نظام اعجاز قرآن کریم»

اعجاز قرآن سند صدق نبوت و همچنین نشانی از الهی بودن قرآن و شاهدی بر اثبات حقانیت معارف قرآن و اسلام است. اعجاز قرآن مورد اتفاق اساطین قرآن‌پژوه فریقین است و تنها وجوه، جنبه‌ها و یا محورهای اعجازی آن مورد اختلاف است. نظر به الهی بودن قرآن (حجر: ۹) و توفیقی بودن الفاظ آن (معرفت، ۱۳۹۸ ش، ۳۳۹-۳۴۰) هیچ اختلاف موجب تناقضی در قرآن وجود ندارد (نساء: ۸۲) و چون محفوظ به حفظ الهی است (حجر: ۹) همواره پرچم تحدی آن از نزول تا قیامت بر بلندای تاریخ برافراشته است (اسراء: ۸۸). بنابراین اعجاز و وجوه آن دارای حقیقتی واحد و محفوظ نزد خداست. با بررسی سیر تطور وجوه اعجاز بنا به منظومه آرای فریقین درمی‌یابیم که هر اعجاز‌پژوهی در حیطة دانش، تخصص و پارادایم حاکم، جوانبی از حقیقت اعجاز و وجوه آن را حکایت کرده‌اند و مانند تشعشعاتی از یک مرکز نور، راوی حقیقت نور اعجاز و وجوه آن بوده که ماسوی الله را عاجز از همانندآوری قرآن می‌کند (بقره: ۲۳-۲۴). شاهد بر این مدعا سیر گزارش‌های فزاینده وجوه مورد قبول اعجاز قرآن در معاصر است؛ در حالیکه مسبوق به سابقه نبوده است.

سیری از تک وجه‌انگاری حاصل از بیرونی انگاشتن عامل اعجاز از متن، با عنوان قول صرفه<sup>۱</sup> (نک. معرفت، ۱۳۹۸ ش، ۴/۱۳۸) و سپس تأکید بر عاملیت درون‌متنی اعجاز با وجوه ادبی اعجاز آغاز شد<sup>۲</sup> (مؤدب، ۱۳۹۶ ش، ۲۲؛ سیدی، ۱۳۹۲ ش، ۲۲). اما بلافاصله با اعتقاد برخی به بیش از یک وجه، به رد تک وجه‌انگاری و طرح چند وجه‌انگاری محدود ادامه یافت<sup>۳</sup> (نک: همان، ۸۸؛ مؤدب، ۱۳۹۶ ش، ۱۴۶). در ادامه زمزمه‌های تعددانگاری (زرکشی، ۱۹۵۷م، ۲/۹۳-۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۰۸ق، ۱/۱۲۱-۳۸۷) یا بی‌شمار اعجازی به تدریج آغاز و در معاصر به اوج خود رسید (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۳/۹۷۱؛ ابن‌قیم الجوزیه، ۱۹۹۴ق، ۲-۴؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۵/۲۲۲). هر یک از اعجاز‌پژوهان بنا به قاعده عقلی

<sup>۱</sup> معتزلی (۲۲۰ق) معتقد بود عامل اعجاز، بیرون از متن است و وجه صرفه را به عنوان تک وجه اعجاز مطرح کرد.

<sup>۲</sup> جاحظ (۲۵۵ق) شاگرد نظام بود و در انتها به تردید و مخالف با نظر استاد خود عامل برون‌متنی (صرفه) را به عامل درون‌متنی اعجاز قرآنی شامل (نظم درونی، اسلوب و فصاحت و بلاغت).

<sup>۳</sup> برخی مانند باقلانی (۴۰۳ق) معتقد به سه وجه اخبار عینی، قصص قرآنی و نظم و سبک قرآن و بن‌عطیه اندلسی (۵۴۱ق) با اعتقاد به سه وجه نظم، صحت معانی و توالی فصاحت در این دسته جای می‌گیرند.

برترگزینی (زمر: ۱۸) بر دیدگاه خود پای فشرده و بر تقسیمات وجوه اعجاز با مناط مختلفی اقدام کردند و اختلافاتی فراوانی در ذکر تعدد و ارتباط بین وجهی<sup>۱</sup> ایراد کردند که موجب بحث‌های دامنه‌داری در وجوه اعجاز شد. از مهم‌ترین تقسیمات وجوه اعجاز، اعجاز لفظی، و معنوی یا محتوایی است (نک. مطهری، ۱۳۷۲ش، ۴/۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ۵۳؛ خمینی، ۱۳۷۸ش، ۱۷۸؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ۷۷، رهبری، ۱۶/۰۲/۱۳۷۱). با توسعه و پذیرش تفکیک وجوه اعجاز، برخی بر ارتباط ضمنی بین وجوه اعجاز، با توجه دادن به ظرافت در گزینش کلمات و ترکیب‌های نحوی و بلاغی، توأم با حکیمانه‌بودن و توصیه به تعقل و تدبّر تأکید کرده‌اند (نک: نقی‌پور، ۱۳۷۹، ۲۶). و یا برخی دیگر، ویژگی قرون متقدم را فهم و تخصص بیشتر مخاطبان متقدم در اعجاز ادبی دانسته و قرون متأخر و معاصر را به دلیل ورود جعل و اسرئالات و همچنین شبهات مستشرقان، دارای سیری از اعجاز ادبی به سوی اعجاز محتوایی دانسته‌اند (نک. عبداللهی‌اشان و دیگران، ۱۴۰۱ش، ۲۹۰ و ۲۹۱) تا ارتباط لفظی و معنایی و هماهنگی آن را اثبات نمایند. حتی برخی با اذعان بر ارتباط و هماهنگی لفظ با معنا، مرزهای تفکیک لفظی و معنوی را سست کرده‌اند (نقی‌پور، ۱۳۷۹، ۲۴) اما رهیافتی بر نظامندی اعجاز و وجوه آن تا به حال گزارش نشده است. لذا پژوهش حاضر با بررسی منظومه آرای قدما تا معاصران اعجاز‌پژوه، با ملحوظ انگاشتن حقیقت وجوه اعجاز و ارتباط همه وجوه معقول و مستند بدون محدودیت عصری، به سان اصلی ثابت با هدفی مشترک در هدایت بشر (ذاریات: ۵۶) و قدرت شمول بر ابعاد شناخته شده از اعجاز را در برمی‌گیرد و بنام طرح «نظام اعجاز قرآن» پیشنهاد می‌شود.

در این طرح انواع اعجاز لفظی شامل؛ محورهای «ادبی»، «صوتی» و «عددی» است که مناط تفکیک این محورها، وابستگی آن‌ها به لفظ، کلمه، حروف و ظاهر بوده هر چند بی‌ارتباط به معنا نیستند. محور «ادبی» شامل فصاحت و بلاغت، نظم و ترکیب و اسلوب و تألیف ویژه قرآن، و همچنین جنبه‌های مشترک اعجاز ادبی است که موضوع پژوهش حاضر است. اعجاز معنوی نیز شامل انواعی

---

<sup>۱</sup> مانند اعتقاد برخی مبنی بر ارتباط اعجاز خبرهای غیبی به علمی، یا اعجاز صوتی و عددی و سلامت متن، به ادبی، یا ارتباط اعجاز تشریحی به خبرهای غیبی و معارف و ... که مباحث دامنه‌داری است.

است که در مدل نظام اعجازی زیر ترسیم می‌شود و مناط تفکیک آن‌ها رویکردهای معنایی و فرامتن و لفظی است، هر چند معنایی ارتباط با کلمات نیستند.

سپس ناظر به آرای تحول‌ساز معاصران، اعجاز در محور «فراوجهی» از همه وجوه لفظی و معنوی مستند و معقول کشف شده با فحص از تعدد وجوه اعجاز قابل استخراج است (دراز، ۱۹۸۵م، ۲۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۲ش، ۱۲؛ و دیگران). امام خمینی؛ مقدمات تفسیری مانند شأن نزول، اختلاف افهام مفسران و وجوه اعجاز و ... را تا جایی که در راستای «مقصود نزول» یعنی دستیابی به معارف الهیه برای هدایت و انسان‌سازی باشد، جایز می‌دانند، والا توقف بر آن را حجاب می‌دانند (خمینی، ۱۳۷۸ش، ۱۹۲-۱۹۵) لذا طرح مذکور، وجوه اعجاز را در یک نظام‌واره، ابزاری کارآمد در خدمت هدف یعنی هدایت‌پذیری و مقصود نزول از محتوا و معارف آن تعریف می‌کند. ناظر به باطن ژرف قرآن (خطبه: ۱۹۸) و معرفت‌های باطنی در لوح محفوظ (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۳/۶۳-۶۶) و سیر تاریخی حاکمی از رشد وجوه اعجاز، تأکیدی بر حقیقت وجوه اعجازی است که با ظهور امام عصر (ع) کامل خواهد شد.

## مدل نظام اعجازی قرآن کریم (۱)



## ۲. سیر تحول اعجاز ادبی قرآن در معاصر مبتنی بر نظام اعجاز قرآن

تلاش پژوهش حاضر با وجود بررسی منظومه آرای قرآن‌پژوهان فریقین در زوایای حقیقت اعجاز ادبی اما، نمی‌ازیمی از حقیقت اعجاز است و تنها به وجوه آن بدون ذکر مصادیق پرداخته است. با توجه قرآن‌پژوهان به عامل درون‌متنی اعجاز قرآن و رد صرفه‌انگاری، اعجاز ادبی مورد اقبال نظری متقدمان بود. اعجاز ادبی گستره وسیعی از آرای اعجازی متصل به عصر نزول و امتدادی با نضج و توسعه تحولی آن تا به معاصر دارد.

### ۲-۱. نقش اعجاز ادبی در سیر جریان‌های فکری تحول اعجاز قرآن

بر مبنای نظریات فلسفه علم، پژوهش‌ها و نظریات علمی بی‌ارتباط با الگوها، سرمشقی‌ها و فضای محیطی حاکم بر اندیشه‌ها یا پارادایم‌ها نیستند (قدوسی‌زاده، ۱۳۹۰ش، ۴۶/۱) و به‌طبع فضاپژوهی و پارادایم‌شناسی در تحول اعجاز قرآن از عصر نزول تا به امروز و نیز در دانش‌شناسی آن نقش مهمی دارد که بررسی تاریخی نشان می‌دهد؛ از اولین جریان‌های اعجاز قرآن تأثیر ادبا، شاعران

و سخن‌شناسان مدعی عرب عصر نزول بود که با تأثیرگیری معنوی، در مواجهه با اعجاز متنی و ظاهری قرآن شگفت‌زده و تعجیز شدند. این کارکرد اولیه اعجاز به نظر بی‌ارتباط با حکمت تعجیزی معجزات انبیاء برای غلبه بر فنون و علوم زمانه بر مبنای حدیث ابن‌سکیت از امام رضا نیست (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ۲۸/۱). این تأثیر راهی برای اثبات اعجاز و وسیله‌ای برای تعجیز منکران و قوت قلبی برای حق‌طلبان بوده است؛ زیرا شگفتی اعجاز لفظی و ظاهری به مصداق اکمل آن یعنی اعجاز ادبی و بیانی، دامنه وسیعی دارد و به تعبیر سیدقطب از اولین مراحل فهم اعجاز قرآن است (سیدقطب، ۱۹۹۵ م، ۱۶؛ پیری‌سبزواری، ۱۳۸۰ ش، ۱۸) و یا قابل درک ذوقی انگاشته شده (رشیدرضا، ۱۴۱۴ ا.ق، ۲۰۱/۱-۲۰۳؛ الخولی، ۱۹۶۱ م، ۳۰۴) و نیز با گذر زمان و رشد علوم ادبی تا معاصر، توسعه یافته است. بعد تأثیر اعجاز ادبی، سیری از جریان‌های متکلمان، اصولیون، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، تا دانشمندان علوم جدید و میان‌رشته‌ای به اعجاز قرآن پرداختند (جوان، ۱۴۰۲ ش، ۳۶-۳۹).

## ۲-۲. بررسی محور اعجاز ادبی قرآن

محور اعجاز ادبی با مناسبت اهمیت، توجه و تجمیع آراء قرآن‌پژوهان شامل؛ وجوه «فصاحت و بلاغت»، «نظم، ترکیب و اسلوب ویژه» و «مشترک ادبی» است.

### ۲-۲-۱. اعجاز در وجه فصاحت و بلاغت قرآن

در بازشناسی مفهوم فصاحت و بلاغت با سه دسته آراء مواجه‌ایم؛ دسته اول نظراتی که معتقد به تفکیک معنایی فصاحت از بلاغت بوده (نک. آمدی و رجایی، ۱۹۹۰ م، ۱/۱۰۲ و ۱۲۴؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ ش، ۱۱۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ۸/۱۱۴؛ جوادی‌آملی و صادقی، ۱۳۹۷ ش، ۲۳۰؛ الحنفی، ۱۳۹۰ ا.ق، ۲۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲/۵۴۴)، دسته دوم نظراتیست که دال بر ترادف معنایی فصاحت و بلاغت هستند (نک. الرفاعی، ۱۳۹۳ ا.ق، ۲۰۴؛ راوندی، ۱۴۰۹ ا.ق، ۹۹۸؛ عبدالجبار، بی‌تا، ۱۶/۲۴۷) و دسته آخر نظراتی که فصاحت و بلاغت را همراه با ساختار نظم و سیاق قرآن به‌عنوان اعجاز بیانی قرآن معرفی می‌کنند (نک. طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱/۷۱؛ الحنفی، ۱۳۹۰ ا.ق، ۲۹). استنباط پژوهش حاضر منجر به تجمیع هر سه دسته است؛ به طوری که بررسی‌ها نشان از تفکیک معنایی فصاحت از بلاغت داشته و قول سوم را به نوعی تأیید آن می‌داند؛ هر چند فصاحت بیشتر ناظر به الفاظ و بلاغت بیشتر

ناظر به معناست، اما بلاغت نیز وابستگی ویژه‌ای به لفظ دارد و همچنین قرآن پژوهان بزرگی همچون علامه طباطبایی بلاغت را توأمان، هم در لفظ و هم در معنا می‌بینند.

## ۲-۱-۲-۱. پیشینه اعجاز در فصاحت و بلاغت قرآن در دوره قدما

آرای قدما به‌عنوان پیشینه، میراثی برای آیندگان و تسهیلی برای تحول‌شناسی است. اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن در نظر قدمای فریقین موافقان و مخالفان دارد؛ ثبت علمی جریان وجوه اعجاز از معتزله سنی و واصل بن عطاء (۱۳۱ق) آغاز شد (معرفت، ۱۳۹۸ش، ۱۳۸/۴). جاحظ (۲۵۵ق) با شکستن فضای غلبه قول صرفه در قرون دوم و سوم به اهمیت اعجاز در فصاحت و بلاغت و مبارزه‌طلبی قرآن توجه داد (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۷۴). رمانی (م ۳۸۴ق) با طرح ده وجه ادبی و بیانی به توسعه و برجسته کردن اعجاز واژگانی پرداخت و بلاغت را در سه سطح ضعیف، متوسط، و برتر (مانند قرآن) دانست (رمانی، بی تا، ۶۹-۱۰۴). خطابی (۳۸۸ق) کلام را در سه سطح بلاغت شامل بلیغ و استوار، فصیح و آسان‌یاب و روان و رها دانست و بلاغت قرآن را از هر سه سطح بهره‌مند دانست که کلامی متضاد با عنوان «فخامت و گوارایی» تشکیل داده که همین عامل تعجیز از همانندآوری است (خطابی، بی تا، ۱۵). باقلانی (۴۰۳ق) بلاغت دارای اوج قرآن را معجزه می‌دانست، اما اعجاز قرآن را در غیر فصاحت و واژگان نیز پیگیری می‌کرد (باقلانی، ۱۴۰۶ق، ۵۷). راوندی برخلاف برخی، شیخ مفید (۴۱۳ق) را معتقد به قول فصاحت و بلاغت می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۲۷/۸۹).

در ادامه غزالی (م ۵۰۵ق) با اعتقاد به این وجه (جوادی‌آملی، صادقی، ۱۳۹۷ق، ۳۶) و قاضی عیاض (م ۵۴۴ق) بر فصاحت و بلاغت خارق‌العاده و ایجاز آن اذعان داشتند (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۰۹). خفاجی شیعوی (۴۶۶ق) معتقد به فصاحت تشکیکی بود و در قرن هشتم نیز ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) با اعتقاد به فصاحت اوجی قرآن، قائل به تفاضل فصاحتی شد و برای نمونه فصاحت سوره توحید را برتر از سوره تبت اعلام کرد (ابن تیمیه، ۱۳۷۵ق، ۴۸، سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۱۸). فخررازی (م ۶۰۶ق) در تبیین اهمیت این وجه، با طرحی استدلالی معتقد شد اگر کتابی فصیح‌تر از قرآن بود، گزارش شده بود. و با وجود دارابودن موانع هفتگانه و تضعیف‌کننده فصاحت، اما باز قرآن در اوج فصاحت است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۱۱۵/۲). سکّاکي (م ۶۲۶ق) با تعیین مصداق، تغییر خطاب یا التفات برخی از آیات قرآنی را از جنبه‌های اعجاز بلاغی قرآن دانست (سکّاکي، بی تا، ۹۵). قرطاجنی (م ۶۸۴ق) و



ابن کثیر (م ۷۷۴ق) نیز در پیروی از روش فخررازی به تبیین استدلالی پرداختند. قرطاجنی بر استمرار زمانی این وجه در قرآن تأکید دارد؛ زیرا گاهی فصیح دیروز، فصیح معاصر نیست (مؤدب، ۱۳۹۶ش، ۱۴۶) و ابن کثیر قائل به فصاحت در نهایت بلاغت قرآن است؛ زیرا از کثرت پرداختن، کهنه نمی شود (ابن کثیر، ۱۴۰۱ق، ۶۰/۱-۶۱). در انتها مجلسی (م ۱۱۱۰ق) فصاحت و بلاغت را مهم ترین وجه اعجاز قرآن معرفی می کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷/۱۵۹-۲۲۵).

وضوع و تمرکز بسیاری در این وجه، مانع مخالف باقلانی (۴۰۳ق)، ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ق) و زملکانی (م ۶۵۱ق) نشد. باقلانی هرچند قرآن را در اوج بلاغت می دید، اما مانند مبنای معتقدان به صرفه، اعجاز قرآن را در غیر فصاحت و بلاغت می دانست (باقلانی، ۱۴۰۶ش، ۵۷) زملکانی با رد عامل اعجاز در بیرون از متن، اما اعجاز در واژگان و کلمات قرآن را نیز رد می کند! (زملکانی، ۱۳۹۴ق، ۵۴). ابن حزم نیز با نظر به جهانی بودن و گستره مخاطب قرآن در طول زمان، اعجاز بلاغی را به دلیل وجود مخاطبان غیر عرب قرآن، رد کرد (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۹۴).

#### ۲-۲-۱. اعجاز در وجه فصاحت و بلاغت قرآن در دوره معاصر

شبر (۱۲۴۲ق) دلیل برتری و تجلی اعجاز قرآن را عجز عرب فخر فروش و مدعی عصر نزول در مواجهه با قرآن و آیاتی از آن همچون ۴۴ سوره هود می داند (شبر، ۱۴۱۸ق، ۱/۱۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۹/۱۰۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸ش، ۴/۶۳). بلاغی (۱۳۵۲ق) با مبنای راهبرد اساسی تناسب همه معجزات انبیای الهی در ارائه معجزه به مخاطب اولیه و تعجیز آن تأکید داشته و فصاحت و بلاغت را برترین وجه اعجاز می دانست؛ لذا نزول قرآن به غیر سخن و ادب عربی را بی توجهی به فن رایج و عذری برای انکار و عدم فهم آن توسط مدعیان سخنوری عصر نزول می دانست. اما اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن را محدود به عصر نزول و قوم آن نکرده و معتقد به کارکرد چندگانه معجزه بوده و به دیگر جوهی که حتی عرب عصر نزول نیز از آن درکی نداشته نیز معتقد بوده اند (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ۴/۱) این دیدگاه بر پویایی این وجه تأکید دارد.

رشیدرضا (۱۳۵۴ق) به تبع استاد خود محمدعبده (۱۳۲۳ق) اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغی در حیطة شعر و ادب می داند، نه در حیطة دانشمندان و اهل منطق (محمدرشید، ۱۴۱۴ق، ۱/۲۰۳). این وجه را چنان متعالی دیده که با وجود ظهور آن در همه جای قرآن؛ معتقد است بخش اندکی از

اسرار آن در علوم ادبی نمایان شده و یافته‌های علمای ادبی تنها دریافتی ذوقی و هنری از آن است، نه درک حقیقت آن. تکرار در معانی واحد و عدم خستگی مخاطب، ویژگی برجسته‌ای است که عموم قرآن‌پژوهان از آن غافلند.

اعجاز ادبی و بیانی وجه برتر از دید رافعی (۱۳۵۶ق) است؛ زیرا در عصر اوج کلام و ادب نازل آمد و بر همه غالب شد. اثر غلبه مدعیان عصری قرآن را نشانه عاجز کردن مدعیان در آینده می‌داند. اما قرآن را مولود فکر عربی و یا اعجاز آن را محدود به بُعدی خاص نمی‌کند (رافعی، ۱۳۹۳ق، ۱۶۴). فصاحت و ازگان و بلاغت معانی که ابزار شناخت آن احساسات فطری بر پایه ذوق بوده را عامل تعجیز از پاسخ به تحدی قرآن می‌داند. (مؤدب، ۱۳۹۶ش، ۱۶۲). از ویژگی‌های کلام فصیح را روانی الفاظ و معانی نادری دانسته که گویی از قلب سلیم بر جان مخاطب می‌نشیند و سپس قرآن را سرآمد کلام فصیح معرفی می‌کند (همان، ۲۰۴).

میرزاهمدی اصفهانی (۱۳۶۵ق) فصاحت و بلاغت قرآن را اعلی درجه و روشن دانسته اما معتقد است چون در نصوص دینی نامی از آن به‌عنوان وجه تحدی نیامده (غلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۵۳)؛ تنها لباسی زیبا بر قامت علوم و معارف قرآن است (اصفهانی، بی تا، ۶). این تبیین نو تحول‌ساز سر آغاز ارتباط اعجاز ادبی به هسته نظام اعجازی یعنی اعجاز در معارف قرآن است. ایشان ادله معتقدان به برتری قرآن در فصاحت و بلاغت مبنی بر تکیه بر روایت ابن سکتی به نقل از امام رضا ۷ (کلینی، ۱۳۶۳ق، ۲۴/۱) \_ از جمله علامه حلی (حلی، ۱۳۶۷ق، ۹۳) و بسیاری از معاصران \_ را رد می‌کند و تفسیر دیگری بر آن روایت شریف مطرح می‌کند؛ در این روایت از علت تفاوت در اعجاز انبیاء سوال می‌شود و امام غلبه معجزات بر ابزار و فن رایج آن دوران را متذکر شده و فرمودند؛ محمد ۹ زمانی برانگیخته شد که سخنوری و کلام و شعر، بر جامعه غالب شده بود و خداوند مواعظ و حکمت‌های خویش را به گونه‌ای بیان نمود که گفتار آنان را باطل و حجت را بر آن‌ها تمام کرد (همان، ۲۴).

امام در این روایت نه تنها بر وجه فصاحت و بلاغت نظر ندارند بلکه نظر به عبارت «فَأَتَاهُمُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ مَوَاعِظِهِ وَ أَحْكَامِهِ» به وجه موعظه و حکمت بودن قرآن تأکید می‌کنند. شاگردشان ملکی میانجی نیز، عدول امام از واژه «کلام» به عبارت «مواعظ و حکمت‌ها» را دال بر هدف قرآن به جای وجه فصاحت و بلاغت به «موعظه و حکمت» می‌داند. (ملکی میانجی، ۱۴۱۷ق، ۶۶/۱). معجزات

نشانه و ابزاری برای تحقق حکمت الهی به فراخور زمانی مختلف بوده، نه اینکه الزاماً بالاتر از سنخ همان فن رایج باشد (همان، ۶۵). یعنی معجزه موسی ۷ نه از سنخ سحر و جادو، بلکه ورای آن است؛ زیرا سحر و جادو در اختیار بشر است و حدّ اعلاّی آن نیز اشکال هم سنخی دارد و خدای جل جلاله را با مخلوق قرین خواهد کرد (العیاذ بالله)؛ بنابراین اعجاز قرآن، اعجاز به کلامی است که حکمت و موعظه و هدایت به یگانه راه سعادت را در ضمیر دارد و البته در لباسی وزین از فصاحت و بلاغت محفوف است. میرزا با اینکه کلام قرآن را ساختار الوهیت و عربی اصیل از فعل الهی \_ متفاوت با کلام عربی ملحون بشری \_ می‌داند، اما وجه برتر اعجاز شریعت خاتم را به فصاحت و بلاغت و مقابله با بزرگان ادبی جاهلیت همچون لیبید و امرؤالقیس نمی‌داند؛ زیرا تحدی قرآن بر علوم اولین تا آخرین بشر و تمامی ادیان تعلق گرفته و لذا همواره همگان عاجز از همانندآورش هستند (اصفهانی، بی تا، ۳-۴؛ غلامی، ۱۳۸۷ش، ۵۹-۶۰؛ همان، ۷۱).

ایشان وجه برتر اعجاز قرآن را معارف و علوم هدایتی آن دانسته و اعتقاد به برتری وجه فصاحت و بلاغت و تمرکز افراطی بر آن در نشر علوم ادبی و قرائات و هم‌سنخ قرار دادن علوم بشری \_ مانند فلسفه و عرفان و حتی علم کلام \_ را از دسیسه‌های دشمنان برای پنهان کردن وجه اصلی اعجاز معرفی می‌کنند (اصفهانی، بی تا، ۶-۷؛ غلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۶-۷۷).

زرقانی (۱۳۶۷ق) تعجیز همگان از جمله دانشمندان و مردم را از اسرار این وجه مهم دانسته، اما تک وجه‌انگاری آن را نیز فاقد استواری و استحکام می‌داند (زرقانی، ۱۳۸۵ش، ۹۵۳). قرآن توأم با دارا بودن فصاحت، همراه با رعایت شرایط مخاطب و بلاغت، معجزه برتر است (همان، ۱۰۴۹). مراغی (۱۳۷۱ق) و شعراوی (۱۴۱۸ق) نیز به صورت اشاره و گذرا بر اعجاز بلاغی قرآن تصریح می‌کنند (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۷۳ و ۱۵۸).

دراز (۱۳۷۷ق) معتقد بود با آنکه قرآن در مناسبت‌های مختلف نازل گشته، اما وحدت منطقی و ادبی‌اش را حفظ کرده؛ زیرا قرآن مجموعه‌ای مقصدگرا در اهداف عالی است، نه مصحفی با موضوعات پراکنده و لذا این بزرگترین شاهد بر اعجاز قرآن است (معرفت، ۱۳۹۸ش، ۳۳۶؛ شحاته، ۱۹۷۶ق، ۵-۴). در ادامه حرکت میرزامهدی، طالقانی (۱۳۹۹ق) شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن را زدودن انواع

حجاب‌هایی<sup>۱</sup> دانسته که نفوس انسانی را فراگرفته و گوش و چشم و عقل را از درک حقیقت دور می‌کند. ایشان راه فهم هدایتی قرآن برای فارسی‌زبانان را از مسیر فهم بلاغی، ابتدا از طریق ترجمه و سپس فحص ریشه لغات میسر می‌داند (طالقانی، ۱۳۵۸ش، ۱۷).

شهید مطهری (۱۳۹۹ق) با تقسیم اعجاز قرآن به لفظی و معنوی، وجوه لفظی را همان فصاحت و بلاغتی می‌داند که بیش از همه با احساس و دل سر و کار داشته و فطری در وجود همه هست و صرف شنیدن یا دیدن جذب می‌کند، هرچند قابل توصیف نیست. انجذاب زیبایی، همیشه تابع حقیقی بودن آن نیست؛ زیرا افسانه شاهنامه، انسان را به وجد می‌آورد در صورتی که معجزه نیست، اما اعجاز زیبایی قرآن این است که هم در اوج فصاحت و بلاغت، هم به دور از کذب و امور خیالی، هم در متتهای زیبایی و لطافت بیان و هم موجب جذب روح و عقل انسانی است (مطهری، ۱۳۷۲ش، ۴/۹۸؛ همان، ۴/۵۵۴؛ همان، ۴/۵۵۲-۴/۸۵). از دلایل بقای قرآن و همچنین بزرگترین عامل جهانی بودن و نفوذ قرآن را فصاحت و بلاغت می‌داند؛ لذا مشرکان به قرآن اتهام سحر زده‌اند نه حرفی لغو و بی‌ارزش (همان، ۲۶/۷۲۵؛ همان، ۴/۵۵۵). معرفت (۱۴۲۷ق). اعجاز بیانی را از وجوه مقدم در اعجاز قرآنی و مرتبط با معنا و محتوا تعریف می‌کند (معرفت، ۱۳۹۸ش، ۳۱۵).

فاضل‌لنکرانی (۱۴۲۸ق) بر تبیین وجوه اعجازی مبتنی بر نص قرآنی اصرار دارد. اما اعجاز بلاغی قرآن را بنا به مناسبت عصر نزول، و تناسب مبارزه‌طلبی با تخصص مخاطب، روشن و بدون نیاز به نص می‌داند؛ هرچند دو آیه از آیات تحدی (یونس: ۳۸؛ هود: ۱۳-۱۴) را ناظر به اعجاز بلاغی معرفی می‌کند (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ۱۰۴-۱۰۷). تنها رسول خدا ۹۱ معجزه‌اش کتابی جامع، همراه با اوج بلاغت بوده که عامل تعجیز همگان شد (همان، ۱۰۴-۱۰۶). بلاغت را نه در یک جمله یا یک صنعت ادبی، بلکه گسترده به مصادیقی و مربوط به مجموعه‌ای از جملات، و هنری در ایجاد مفاهمه و منحصر به فرد معرفی می‌کند (همان، ۱۰۷). ایشان به پیروی از علامه طباطبایی و بر خلاف دیگران، ریشه فصاحت و بلاغت قرآن را نه در جملات و کلمات و عوارض آن، بلکه در معانی و اهداف والای الهی آن می‌بیند (همان، ۶۸-۶۹).

---

۱. ر.ک: اسراء: ۴۵-۴۶؛ انعام: ۲۵ و ۵۷؛ فصلت: ۵؛ بقره: ۸۸؛ محمد: ۲۴.

جوادی آملی معتقد است قرآن در عصری نازل شد که عرب مدعی، وجه تحدی قرآن را به فصاحت و بلاغت می‌دانست و عاجز شد (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش، ۱۳۴). قرآن از جهت ظاهری فراتر از عادت بوده و برهم‌زننده بازار پوشالی مدعیان و صاحبان «معلقات سبع» بود (جوادی آملی، ۱۳۸۴ش، ۳۰۰؛ جوادی آملی، صادقی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۳؛ همان، ۱۹۶). کلام و شعر عرب عصر نزول مصروف اهداف مادی، عیاشی و امور جنسی و قتل و غارت و جنایت بود، اما اهداف قرآنی در عین کمال فصاحت و بلاغت، حاوی سعادت بشر بوده و مصداق «احسن الحدیث» (زمر: ۲۳) است (جوادی آملی، صادقی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۴).

ایشان فصاحت و بلاغت تام را شامل سه رکن می‌داند؛ آگاهی نسبی به جهان یا جهان‌بینی، توانایی رساندن معانی دانسته شده با واژگان مناسب به مخاطب، توانایی ساخت واژه‌ها و نهادن منظم آن‌ها برای ساخت معانی. در حالیکه عرب عصر نزول یا بشر، تنها در قسم سوم، آن هم به شرط یاری عقل عملی و تجلی ذوق و استعدادی که تنها در بخشی از انسان‌ها متجلی می‌شود، تواناست (همان، ۲۲۴). فصاحت و بلاغت وجهی کاملاً لفظی نیست بلکه شناخت معانی الفاظ اولویت دارد؛ زیرا بعد درک درست معانی و معارف و احاطه بر آن‌ها، باید آن‌ها را در بهترین الفاظ و شیواترین قالب لفظی بریزیم که این ریشه عجز عرب عصر نزول از همانندآوری است (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش، ۱۳۵-۱۳۶). این وجه بیشتر مورد توجه عرب یا عرب‌شناس است و تنها بخشی از آیات تحدی ناظر به این وجه است (همان، ۲۵۴ و ۲۶۹). ایشان فصاحت را عالم لفظ و صوت بیرون آمده از دهان، زبان و دندان دانسته، اما محور بلاغت را به گستره دریایی عظیم شامل عالم معنا یا ذاتاً از اوصاف معانی و سپس عارض بر لفظ می‌دانند. نظر به ذوقی و معنوی بودن عالم بلاغت، آن را نامحدود و بی‌حد و مرز معرفی می‌کند؛ لذا وصف طراوت را در ضمیر خود دارد و با گذشت زمان و پیشرفت علوم ادبی \_ صرف و نحو و معانی و بیان \_ جلوه‌های بیشتری از این وجه اعجازی آشکار می‌شود (جوادی آملی، صادقی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۹-۲۳۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴ش، ۳۱۰-۳۱۷).

خامنه‌ای (رهبری) معجزات پیامبران (ص) را از سنخ فن رایج عصر خود و به نوعی همراه با تحدی و مبارزه‌طلبی می‌داند. معجزات، واقعیتی است که عوام آن را در سطح فن رایج، و اهل فن آن را با تفاوتی ماهوی و جوهری، بالاتر و غالب از فن رایج می‌پندارند. عوام، قرآن را از سنخ فن رایج

عصر نزول یعنی فصاحت و بلاغت و سنخوری دانسته اما ادبا و سخن‌شناسان عرب، معترف به تفاوت جوهری قرآن با سخن اعراب‌اند و نشانه آن عجز بزرگان ادب عرب در همانندآوری است، درحالی که سیره آن‌ها برتری‌جویی بود (رهبری، ۱۳۷۱/۰۲/۱۶ ش).

## ۲-۱-۳. بررسی سیر تحول اعجاز ادبی فصاحت و بلاغت در معاصر

سیر تاریخی قدما نشان از حرکت توسعه و تبیین‌گری در جوانب این وجه حکایت دارد که البته از عمق علمی زیادی برخوردار بوده و متأخران و معاصران نیز بهره‌مند از آن بوده‌اند. جریان سنی در قدما توجه بیشتری به تبیین این وجه داشته و البته ردپایی از تحول در آن مشاهده نمی‌شود. گزارشات تاریخی بر خلاف تصور مشهور، حاکی از رشد تدریجی در توسعه و تبیین اعجاز در این وجه تا تحول آن در معاصر دارد. بلاغی با رد محدود کردن آن به مخاطب اولیه و شمول آن بر هر عرب‌شناسی موجب پویایی این وجه شد و رافعی نیز با معیار مشابه بلاغی تبیین کرده و موجب توسعه در تبیین استدلالی بر اهمیت این وجه شد. سرآغاز تحول اعجاز ادبی در فصاحت و بلاغت، ارائه طرح ارتباط اعجاز ادبی با اعجاز در معارف و محتوای قرآن با هدف هدایتگری از حرکت شیعی و از جانب میرزامهدی اصفهانی در نیمه دوم قرن ۱۴ است.

در ادامه طالقانی نیز این حرکت را قوت می‌بخشد و بر اتصال و بهره از اعجاز ادبی و وجه بلاغی‌اش برای اعجاز هدایتی توجه می‌دهد. علامه طباطبایی و به تبع ایشان جوادی‌آملی، فاضل‌لنکرانی و معرفت با تعمیق مبانی تحول شیعی از طریق تأکید بر ارتباط فصاحت و واژگانی و بلاغت معنایی و ارتباط مستحکم لفظ و معنا، ریشه فصاحت و بلاغت قرآن را در اهداف والای آن دانسته و مصداق احسن الحدیث بودن قرآن را از خدمت فصاحت و بلاغت برای سعادت بشر تحلیل کرده‌اند. لذا زمینه‌ساز توسعه و تقویت این تحول می‌شوند.

هر چند جریان اهل سنت در این تحول با مقدمه‌سازی دراز و طرح موضوع مقصدگرایی قرآن در ضمن تبیین اعجاز ادبی تسهیل می‌شود، اما در ادامه مورد استقبال دیگر قرآن‌پژوهان سنی و توسعه قرار نمی‌گیرد. و نقش دیگر اهل سنت مانند مراغی و شعراوی تنها مؤید اعجاز در این وجه بوده و نقشی توسعه و تبیین‌گر داشتند تا تحول‌سازی. دیگران از شیعیان همچون شبّر، کاشف‌الغطاء، مطهری و رهبری نیز توسعه‌گر آرای قدما در این وجه اعجازی هستند.

## ۲-۲-۲. اعجاز در وجوه نظم، ترکیب، اسلوب و تألیف ویژه قرآن

این وجوه قدمتی از عصر نزول داشته و با تعدد آراء بحثی داغ در محافل اعجاز‌پژوهشی داشته و دارد.

### ۲-۲-۱. پیشینه اعجاز در وجوه نظم، ترکیب، اسلوب و تألیف ویژه قرآن در دوره قدما

عنه بن ابی‌ربیع از نامدران ادبی عصر نزول، نظم ویژه قرآن را متفاوت از تمام نظم‌های مألوف می‌دانست (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۷۸ ش، ۷۸). جاحظ (۲۵۵ق) با عدول از نظر استادش نظام معتزلی، از اولین مدافعان اعجاز در نظم ویژه قرآن و توجه به عامل درون‌متنی اعجاز بود که رویه غالب قرآن‌پژوهان بعدی شد. سپس واسطی (۳۰۶م یا ۳۰۷ق) به پیروی از جاحظ، وجه اعجاز را تنها به نظم ویژه دانسته و دیگر وجوه احتمالی را تحت الشعاع آن می‌دانست و مؤلف اولین اثر مکتوب یعنی «اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه» شد و به نوعی می‌توان جرجانی و رمانی را پیرو ایشان دانست (مؤدب، ۱۳۹۶ ش، ۲۲؛ سیدی، ۱۳۹۲ ش، ۲۲).

طبری (۳۱۰ق) بر نظم شگفت، توصیف عجیب و تألیف بدیع تأکید داشته و معتقد است هر چند قرآن به زبان عربی و خارج از حوزه بلاغت عربی نبود، اما همگان از جمله عرب‌ها از همانندآوری عاجز شدند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱/۶۵). رمانی (۳۸۴ق) قرآن را شیوه‌ای انحصاری از نظم و فراتر از عادت معمول دانست (جوادی‌آملی، ۱۳۹۷ ش، ۳۵). خطابی (۳۸۹ق) بر نظم قرآنی و سازگاری لفظی و معنایی که موجب شیوایی، استواری، گوارایی، تناسب و پیوستگی واژگان قرآن می‌شود، تأکید دارد (خطابی، بی‌تا، ۱۵). باقلانی (۴۰۳ق) قائل به اعجاز سه‌گانه برای قرآن بود که مهم‌ترین آن اعجاز در نظم و سبک ویژه و همچنین وحدت و انسجام آن بود (باقلانی، ۱۴۰۶ق، ۱۶). عبدالجبار معتزلی (۴۱۵ق) اعجاز را در نظم و سبک، توأم با فصاحت و بلاغت می‌دانست؛ هرچند آن دو را متمایز می‌پنداشت (سیدی، ۱۳۹۲ ش، ۹۲). ابن‌حزم اندلسی (۴۵۶ق) از قول سیوطی مؤید اعجاز نظم است (همان، ۹۴).

جرجانی (م ۴۷۱ق) مؤسس علم بیان و معانی و بلاغت، با تک وجه‌انگاری معتقد به طرح «تئوری نظریه نظم» یعنی اعجاز یا مراد تحدی در نظم و اسلوب بیان و سبک و تألیف است (رمانی، بی تا، ۱۲۹). راغب‌اصفهانی (م ۵۰۲ق) قرآن را شامل دو وجه «عناصر» شامل لفظ و معنا و «صورت» دانست و اعجاز در عناصر را رد کرد؛ زیرا لفظ همان لفظ عرب است و معنا همان معنای کتب پیشینیان است! و بزرگترین اعجاز قرآن تنها در «صورت» یعنی نظم مخصوص قرآن با چینش خاصی از لفظ و معنا است؛ زیرا در این صورت حکم شیء عوض می‌شود (راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۵، ۱۰۶). زمخشری (م ۵۳۸ق) اعجاز قرآن را در نظم تعبیر و اسرار واژگان و ترکیب آن‌ها دانسته (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۰۸) و قاضی عیاض (م ۵۴۴ق) بر نظم عجیب و سبک بی نظیر و زیبایی تألیف و پیوستگی کلام قرآن تأکید داشت (قاضی عیاض، ۱۹۸۶م، ۷۳۶/۱). فخررازی (م ۶۰۶ق) ضمن بیان رابطه بین آیات و سوره‌ها که از لطایف قرآنی است، نظم و ترکیب سوره‌ها را نیز از جنبه‌های مهم اعجاز و البته مورد غفلت بسیاری از قران‌پژوهان می‌دانست (مؤدب، ۱۳۹۶ش، ۱۴۹-۱۵۰). سکاکی (م ۶۲۶ق) بزرگترین اعجاز قرآن را اسلوب بیان و سبک و شیوه نظم قرآن می‌داند (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ۷۷). زملکانی (م ۶۵۱ق) اعجاز قرآن را تألیف ویژه می‌داند نه مطلق تألیف. یعنی ترکیبی که کلمات را از اعتدال و وزن خاصی برخوردار کرده و در همه جای قرآن مشهود است (الزملکانی، ۱۳۹۴ق، ۵۴). ابن میثم بحرانی شیعی (م ۶۹۹ق) مهم‌ترین وجه اعجاز قرآنی را در اسلوب ویژه قرآن معرفی کرد (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ۷۷).

## ۲-۲-۲-۲. اعجاز در وجوه نظم، ترکیب، اسلوب و تألیف ویژه قرآن در دوره معاصران

شبر (۱۲۴۲ق) با اعتقاد به وحدت الفاظ بشری و قرآن، ترکیب شگفت‌انگیز قرآن را مراد تحدی و مانع همانندآوری می‌داند (شبر، ۱۴۱۸، ۱۱۳/۱). ملاحظت و فصاحت خاص قرآن را از مصدر اسلوب و نظم نوین قرآن دانسته که نظیری ندارد و همین بر عجز کفار بس که قرآن را سحر بدانند (همان، ۱۵۵/۱). رشیدرضا (۱۳۵۴ق) به تبع استادش شگفتی اعجاز قرآن را در عدم تقلید از اسلوب و نظم مرسوم دانسته و از دایره محدود کلام از نظر بلغا یعنی نثر مرسل، مسجع و نظم و شعر نیز خارج و بالاتر از آن‌ها می‌داند؛ برای نمونه کوتاهی و بلندی آیات و سوره‌ها هم تسهیل تفهیم موضوع و هم



تولید نغمه شنیدنی است؛ لذا منجر به عجز افرادی همچون ولید شد (محمدرشید، ۱۴۱۴ق، ۱۹۹/۱-۲۰۰).

رافعی (۱۳۵۶ق) نیز مانند رشیدرضا اسلوب قرآن را بی نظیر دانسته و بر حُسن نظم و ترکیب حروف و کلمات تأکید می‌کند (مؤدب، ۱۳۹۶ش، ۱۶۲). و همچنین پی‌بردن به حقیقت نظم ویژه قرآن را غیر ممکن می‌داند؛ زیرا معتقد است قرآن سیر حیات لغت عرب و به منزله روح الهی است که در وی دمیده است (الرافعی، ۱۳۹۳ق، ۲۰۹). ایشان ترکیب کلام را متشکل از سه جزء «حروف» (حاصل اصوات)، «کلمات» (حاصل از حروف)، «جمل» (حاصل از کلمات) معرفی کرده که این ترکیب بی‌سابقه با طنین‌اندازی آهنگی دلنشین، طبع عرب را جلا می‌داد، لذا با تکرار ملال‌آور نبود (همان، ۲۱۴).

زرقانی (۱۳۶۷ق) با التفات ویژه به اسلوب و زبان ویژه قرآن، اسلوب را شیوه ویژه تکلم در تألیف سخن و انتخاب الفاظ یا روشی ویژه در گفتار می‌داند که گوینده در ادای معانی و مقاصدش در نظر دارد. رمز اعجاز قرآن زبان و اسلوب ویژه است که با زبان و الفاظ اعراب مشترک، اما منحصر به فرد است و در عین تطور زبان عربی، اما در قله تعجیز است (زرقانی، ۱۳۸۵ش، ۹۱۱؛ همان، ۹۴۷). اسلوب سحرانگیز، استعدادهای گوینده، احوال مخاطب‌شناسی و تفهیم مقصود و ... از ویژگی انحصاری قرآن است و با مقایسه قرآن با کلام پیامبر ۹، قرآن را بی‌نظیر می‌کند (همان، ۹۱۵ و ۹۵۵) و همچنین برای اسلوب و زبان خاص قرآن، ویژگی‌هایی هفت‌گانه می‌شمارد (زرقانی، ۱۳۸۵ش، ۹۱۹-۹۴۲).

دراز (۱۳۷۷ق) به سبک ویژه (دراز، ۱۹۸۵م، ۱۰۳/۱۰۱) و سیدقطب (۱۳۸۷ق) به نظام‌مندی ویژه ترکیب حروف و کلمات قرآن به‌عنوان ریشه اعجاز صوتی قرآن اشاره کرده‌اند (سیدقطب، ۱۹۹۵م، ۸۰-۸۳).

علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق) با ایجاد ارتباط زنجیره‌وار اعجاز در نظم و اسلوب حاصل از فصاحت و بلاغت با اعجاز عددی نتایجی شگفت‌مطرح می‌کند و مقدمه تحول در وجوه نظم ویژه قرآن را ایفا می‌کند. با حفظ زیبایی زایدالوصف آیه ۱۰۲ سوره بقره، و ضرب احتمالات معنایی آن، به عددی در حدود ۱,۲۶۰,۰۰۰ می‌رسد که با حفظ حُسن زیبایی پایدار، حیرت‌انگیز و محیرالعقول است

(طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱/۲۳۳-۲۳۴؛ همان، ۱/۲۲۵/۲۲۹). معرفت (۱۴۲۷ق) نشانه برجسته فصاحت و بلاغت را نظم ویژه متن دانسته و قرآن را به سبب رسایی بیان، روانی عبارات، چینش واژه‌ها و نظم کلمات، واحدی منسجم می‌شمارد که خلق چنین متن واحد و منسجم در مدتی بیست و سه ساله، با آن گستره موضوعی، مستلزم احاطه کامل و حضور ذهنی بالفعل و دائمی است که تنها از خالق بر می‌آید (معرفت، ۱۳۹۸ش، ۳۰۰). از دید ایشان سبک قرآن متعارف سبک بشری نبوده، جامع محسنات و مانع معایب کلام است و لذا مایه شگفتی و خرسندی است (همان، ۳۰۰-۳۰۲).

در ادامه جوادی‌آملی در نظری نو و پیرو علامه طباطبایی با ایجاد اتصال بین وجوه اعجاز در نظم و اعجاز عددی قرآن می‌نویسد؛ بسیاری از سخن‌شناسان یا قرآن‌پژوهان، واژه‌های زیبای قرآن را مانند دانه‌های تسبیح یا اعداد ریاضی دانسته که به‌طور منظمی چیده شده‌اند و شگفتی بیشتر آن اینکه این زیبایی و نظم در دریایی وسیع از معانی و محتوا گسترده شده که از وجود احتمالات معانی در آیات قرآن، عقل خردورزان متحیر است (جوادی‌آملی، صادقی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۵). برای نمونه جنابذی در باب زیبایی پنج آیه ابتدایی سوره بقره بدون در نظر گرفتن معانی شاذ، قائل به احتمال وجود معانی آن آیات به تعداد عجیب ۱۱۴۸۴۲۰۵۷۷۰۲۴۰ است (جنابذی، ۱۴۰۸ق، ۱/۳۹-۴۵).

با توجه گسترده‌قدم بر این وجه، اما برخی همچون ابوهاشم جیبی (م ۳۲۱ق) به شدت با نظریه اعجاز در نظم قرآن مخالف کردند (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۶ش، ۵۲). و برخی مانند امیریحیی علوی (م ۷۴۵ق) نیز با استدلال برآمدن سبک و نظم ویژه از اعجاز فصاحت و بلاغتی، موجب رد وجهی مستقل به نام اعجاز در سبک قرآن شد؛ زیرا معتقد به سبک واحد آیه «و لکم فی القصاص حیا» (بقره: ۱۷۹) و عبارت مشهور عرب «القتل انفی للقتل» بود و می‌گفت پس اعجاز نباید به سبک باشد! (علوی، ۱۹۹۵م، ۵۸۲-۵۸۳).

۲-۲-۳. بررسی سیر تحول اعجاز ادبی در وجوه نظم، ترکیب، اسلوب و تألیف ویژه قرآن در

## معاصر

طرح نظم ویژه قرآن با مبنای پذیرش عامل درون‌متنی اعجاز از جاحظ و پیرو او واسطی و در ادامه جرجانی و رمثانی مطرح شد. تک وجه‌انگاری و تمرکز به نظم ویژه قرآن از جاحظ آغاز و در ادامه معتقدانی همچون جرجانی یافت. همچنین ارتباط لفظی و معنایی در ضمن بررسی اعجاز نظم

قرآن از جریان سنی و از سوی خطابی آغاز و با دیدگاه راغب اصفهانی تقویت شد و در ادامه با تبیین زرقانی در معاصر توسعه یافت. اما جریان تحول‌ساز معاصر در ارتباط اعجاز نظم و اسلوب ویژه قرآن با وجه محتوا و معانی قرآن از سوی شیعیان با مقدمه‌سازی طباطبایی و نقش‌آفرینی جوادی‌آملی ایفا می‌شود. ایشان نظم واژگان قرآنی را همچون دانه‌های تسبیح برای معانی محیرالعقول و والای الهی ترسیم کردند.

افرادی همچون طبری، رمانی، آندلسی، راغب‌اصفهانی، زمخشری، قاضی عیاض و زملکانی، مروج یا تبیین‌کنندگان اعجاز در نظم و سبک تألیف قرآن بودند. برخی مانند باقلانی، عبدالجبار معتزلی، فخررازی، سکاکی، ابن‌میثم بحرانی نیز اعجاز در نظم و سبک قرآن را از مهم‌ترین یا بزرگترین جنبه‌های اعجاز قرآن دانستند. قرآن‌پژوهان فریقین از جمله شبّر، رشیدرضا و رافعی در ابتدای معاصر همگی به بی‌نظیری نظم و اسلوب قرآن تأکید کرده و جریان سنی از رشیدرضا، رافعی، زرقانی و سیدقطب همگی بر آثار نظم و اسلوب قرآن با تبیین‌های مختلف پرداختند و به اثر برجسته نظم؛ یعنی ایجاد نغمه آهنگین و دلنشین \_محور اعجاز صوتی قرآن\_ تأکید دارند تا شاهدی دیگر بر ارتباط و نظامندی وجوه اعجاز قرآن باشد. تبیین‌های زرقانی از اهل سنت و معرفت از شیعیان از عمق و توسعه‌گر برخوردار است.

## ۲-۳. اعجاز در وجوه مشترک ادبی قرآن

برخی اعجاز ادبی قرآن را در وجوه ترکیبی \_از فصاحت و بلاغت و نظم و سبک و ...\_ جویدند؛ لذا برای اتساع ذهنی خواننده در بخش حاضر مطرح می‌شود.

### ۲-۳-۱. پیشینه اعجاز در وجوه مشترک ادبی قرآن در دورهٔ قدما

معتزلی (م ۱۵ق) اعجاز قرآن را به فصاحت و بلاغت توأم با نظم و اسلوب دانست؛ هرچند معتقد به تمایز آن دو نیز بود (عبدالجبار، بی تا، ۱۹۹/۱۶). شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) از معتقدان به اعجاز خارق‌العادی قرآن، به شمول بر فصاحت فوق‌العاده توأم با نظم مخصوص است (مؤدب، جوان، ۱۴۰۰ش، ۴۰). خفاجی شیعی (م ۶۶ق) توأمان معتقد به وجوه فصاحت و سبک و شیوایی بیان و صرفه است. ایشان با اعتقاد به فصاحت تشکیکی و مراتبی، فصاحت قرآن را عالی و والاتر از فصاحت عرب می‌داند (خفاجی، ۱۹۵۳م، ۲۰۱). طبرسی (م ۵۳۸ یا ۵۴۸ق) معتقد به وجوهی چندگانه از اعجاز

ادبی همچون، نظم خاص، حُسن بیان، جزالت و استواری لفظ و همچنین فصاحت و بلاغت بود. بلاغت را دارای مراتبی دانسته که مرتبه عالی و تقلیدناپذیر آن اعجاز بلاغی قرآن است (طبرسی، ۱۳۵۰ش، ۱/۴-۶). ناظر به آیه ۸۲ اسراء، قرآن را دارای چنان نظم و تألیفی توأم با اعجاز فصاحتی دانسته که کارکردی دوگانه از جمله اثبات مدعی پیامبر ۹ و شفای کوردلی و شک در راه دین دارد (همان، ۱۹۷/۱۴).

ابن عطیه اندلسی (م ۵۴۱ق) به طرح اعجاز در وجوه مشترک ادبی قرآن از جمله نظم، صحت معانی و توالی فصاحت به صورت توأمان معتقد است (زرکشی، ۱۹۵۷م، ۲/۶۳-۱۰۶). راوندی (م ۵۷۳ق) اعجاز قرآن در محور ادبی را به اعجاز در فصاحت خاص، تألیف و نظم قرآن در کنار هم و نظم مخصوص با دارا بودن ده ویژگی معرفی می‌کند که مهم‌ترین وجه آن اعجاز در بلاغت است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۳/۹۸۱-۹۸۲). قرطبی (۶۷۱ق) به نظم بدیع و نوین، اسلوب کلامی و جزالت و استواری قرآن و همچنین به تحول و دگرگونی در زبان عرب در بُعد فصاحت و بلاغت قرآن اشاره دارد (مؤدب، ۱۳۹۶ش، ۱۴۴).

کلبی (م ۷۴۱ق) ناظر به تحدی، اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت توأم با نظم شگفت و سبک غریب آن می‌داند (کلبی، ۱۳۹۳ش، ۱۷۸). علوی (م ۷۴۵ق) فصاحت بی‌بلاغت و بلاغت بی‌فصاحت را نمی‌پذیرد. و هرچند سبک قرآن را معجزه نمی‌دانست! اما معتقد به زیبایی در نظم و بافت قرآن بود (علوی، ۱۹۹۵م، ۵۸۷؛ سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۲۳). الجوزیه (م ۷۵۱ق)

با هشدار دوری از افراط در اعجاز بیانی، قرآن را حاوی فصاحت و بلاغت، فنون بیان، زیبایی و چینش و ترکیب روایت و همچنین سبک غریب می‌داند که عقل خردمندان را متحیر ساخته و زبانِ زبان‌آوران را بند آورده است (ابن‌قیم الجوزیه، ۱۹۹۴م، ۲-۴).

زرکشی (م ۷۹۴ق) با بیان انبوهی از وجوه اعجاز در نظر گذشتگان، بر وجوه اعجاز ادبی از جمله تألیف خاص قرآن، نظم در معانی و توالی فصاحت، تألیف، ترکیب و عبارات، اوج بلاغتی و جنبه‌های گسترده زیباشناختی به‌عنوان رمز و رازهای سبک و هنرهای بلیغ اشاره دارد (زرکشی، ۱۹۵۷م، ۲/۹۳-۱۰۶).

ابن‌خلدون (م ۸۰۸ق) قرآن را در بالاترین سطح کلام دانسته که واژگان آن سنجیده و سبک ترکیب و چینش آن نیکوست (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۳۱). فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) قرآن را شبیه هیچ مصنوع بشری نمی‌دانست و در لفظ و واژگان و نظم آن، دارای اعجاز معرفی کرد (فیروزآبادی، بی‌تا، ۶۸/۱).

سیوطی (۹۱۱ق) به لحاظ کمی اصرار به تفصیل داشته تا اینکه منجر به افراط در شمارش وجوه اعجازی شد، اما به نوعی دارای جامع‌ترین تعدد وجوه و امتیاز اعجازی به بیش از سی و پنج گونه است که تعداد زیادی مربوط به محور اعجاز ادبی است شامل؛ زیبایی تألیف، تناسب کلمه و فصاحت، بلاغت آغاز سوره‌ها، تشابه آیات، مشکل القرآن، اختلاف قرائات حروف قرآن، تقدم و تأخیر الفاظ، فراگیری لغات در عربی و دخیل، اجمال و تبیین، تنوع در خطاب‌ها، تسریع در حفظ، وجود حقایق و مجاز، ایجاز و اطناب، بدایع، تشبیهات و استعارات، کنایه و تعریضات، گونه‌های خبری، انواع قسم، خوف و رجاء، مبهمات، الفاظ مشترکه، نام پدیده‌ها، عدم خستگی شنونده است (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ۱۲/۱-۳۸۷). ابوالسعود (م ۹۵۱ق) نیز اعجاز قرآن را در سبک و ساختار توأم با فصاحت و بلاغت قرآنی می‌داند (سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۳۷) و شربینی (م ۹۷۷ق) اعجاز قرآن را به نظم لطیف و تألیف دقیق و بلاغت معرفی می‌کند (همان، ۱۳۸).

#### ۲-۲-۳. اعجاز در وجوه مشترک ادبی قرآن در دوره معاصران

شوکانی (۱۲۵۰ق) و القنوجی (۱۳۰۷ق) مستند به آیات تحدی (یونس: ۳۸؛ هود: ۱۴) وجه برتر اعجاز را در بلاغت خارج‌العاده، زیبایی و حُسن نظم و عظمت و استواری لفظ و شکوه معنایی می‌دانند (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۲/۵۰۷ و ۵۲۲؛ صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۰ق، ۹/۱).

دراز (۱۳۷۷ق) با توجه دادن به خطاب‌های عام (شرح و تفصیل برای عوام) و خاص‌گرای قرآن (رمز و اشاره برای خواص) و اجمال در عین اطناب به وجوه مشترک ادبی اشاره دارد و لذا عبارات قرآن را لا یتغیر و بی‌جایگزین دانسته و کلیدی برای فایده و معنایی ارجمند معرفی کند؛ همچنین اعجاز بیانی را گسترده در همه سوره‌ها دانسته و ویژگی‌هایی برای آن می‌شمارد (دراز، ۱۹۸۵ق، ۱۰۶-۱۰۷؛ زرقانی، ۱۳۸۵ش، ۹۲۳؛ همان، ۱۰۶-۱۱۹).

امین‌الخولی (۱۳۸۵ق) بر خلاف برخی قدما اعجاز قرآن را با دریافت ذوقی و بی‌نیاز از ابزار ادراکی دانسته و مانند سکاکی قرآن را بزرگترین یا مقدس‌ترین اثر هنری عرب می‌داند (الخولی، ۱۹۶۱ق، ۳۰۴؛ سیدی، ۱۳۹۲ش، ۱۶۳).

سیدقطب (۱۳۸۷ق) فهم اعجاز قرآن را سه مرحله‌ای شامل دریافت‌های فطری (مورد فهم مخاطب اولیه)، علمی و هنری می‌داند. کمال نظم و فصاحت قرآن چنان بود که هم جاذب و هم موجب عجز همگان شد در حالیکه مخاطب اولیه از منشاء تأثیر خارق‌العاده آن بی‌اطلاع بود (سیدقطب، ۱۹۹۵م، ۱۶؛ پیری‌سبزواری، ۱۳۸۰ش، ۱۸).

با اعتقاد به اشتراک حروف الفبا در قرآن و آثار بشری، در پاسخ به چرایی عجز بشر از همانندآوری به خلقت آدم از خاک و آب و گل اشاره دارد و تفاوت میان آفرینش خداوند و بشر از حروف الفبا را با تفاوت بین جسد و روح و یا صورت با حقیقت زندگی معرفی می‌کند (سیدقطب، ۱۹۹۶ق، ۳۸/۱).

خویی (۱۴۱۳ق) نظر به تناسب معجزات با فنون رایج حاصل از روایت ابن‌سکیت \_ همه قرآن را کارآمد و در کمال فصاحت و بلاغت فوق‌العاده، همراه با اسلوب ویژه می‌داند؛ زیرا با وجود تحدی قرآن، مخالفان عاجز شده و به جای پاسخ (ادبی)، جنگ سخت را برگزیدند. اما با انحصار اعجاز به وجوه مشترک ادبی، مخالف است (خویی، ۱۳۸۲ش، ۶۱-۶۶ و ۱۲۲؛ همان، ۶۵-۶۸ و ۷۲).

امام خمینی (۱۴۰۹ق) حُسن ترکیب و لطف بیان را نوعی از فصاحت و بلاغت خارق‌العاده و فوق‌توان بشر و مستقل از دیگر وجوه دانسته‌اند. ایشان نیز انحصار اعجاز در ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانیه قرآن را موجب محرومیت از دیگر وجوه می‌دانند. ایشان با پذیرش تعدد وجوه و رد تک وجه‌انگاری، اعجاز در فصاحت و بلاغت را مناسب مخاطب اولیه دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۷۸ش، ۲۶۴).

طالقانی (۱۳۹۹ق) مهم‌ترین وجه اعجاز را اعجاز هدایتی دانسته که بدون مقدمه لفظ و متن ممکن نیست؛ زیرا با کمترین تغییر در لفظ، معنا و مقصود مخدوش شده و از اعجاز خارج می‌شود. الفاظ توفیقی قرآنی گویاترین شاهد برای طرح مقاصد هدایتی قرآن است؛ لذا از دید ایشان ترجمه بدون شرح و تفسیر ناکام است (طالقانی، ۱۳۵۸ش، ۱۸/۱؛ همان، ۳/۳).

علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق) با روش تفسیر قرآن به قرآن و توجه به مقصود نزول، ناظر به دو آیه تحلی و آیات بعد آن (هود: ۱۳-۱۴؛ یونس: ۳۸-۳۹) مراد از علمی که کفار برآن احاطه ندارند و عاجز از همانندآوری می‌شوند را با پی‌جویی از علوم عصر نزول، همان علوم ادبی و بیانی مانند فصاحت و بلاغت و سخنرانی \_ آن هم دانا به عربی خالص نه مختلط \_ می‌دانند که با تحلی، اوج تعصب عرب عصر نزول تحریک شد؛ اما همگی عاجز شدند و این دلیلی محکم بر اعجاز قرآن است (طباطبایی، ۱۳۶۲ش، ۱۶؛ همو، ۱۳۷۴ش، ۱۰۷/۱-۱۰۸؛ همو، ۱۳۹۱ش، ۱۵۲). اما با رد تک‌وجه انگاری، اعجاز معنوی را در کنار این وجه مطرح می‌دانند (همو، ۱۳۹۱ش، ۱۵۳). زیبایی زبان قرآن را در کنار تمامی خطب بلغا و فصحای دوران‌ها مانند چراغی در یک شبستان درخشان و موجب بهت همگان و لایوصف می‌دانند (همو، ۱۳۸۸ش، ۱۰۱-۱۰۴ و ۱۵۳).

هرچند پیدایش علوم ادبی را در کنجکاوی برای فهم شاهکار زیبایی‌های قرآن می‌داند، اما ریشه فصاحت و بلاغت قرآنی را در جملات توأم با معانی و اهداف والای قرآن ترسیم می‌کند (همو، ۱۳۸۸ش، ۱۲۸؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ۶۸-۶۹). سپس به برشماری مصادیق و صنایع ادبی اعجاز لفظی قرآن می‌پردازد (همو، ۱۳۹۱ش، ۳۷-۶۵).

از دید مطهری (۱۳۹۹ق) زیبایی‌های لفظی قرآن، محدودیت‌های زمان، مکان و فرهنگ‌ها را درنوردیده و موجب شد همگان قرآن را مطابق با ذائقه خود بیابند (مطهری، ۱۳۹۱ش، ۸۲-۸۳). ایشان سبک و الفاظ خارق‌العاده و تقلیدناپذیر حتی برای معصومان ۷ (همان، ۸۴)، ترسیم قرآن به سان ساختمان‌ی زیبا با سبک و اسلوب و ترکیبی تغییرناپذیر که بین روح و فطرت بشر و خالقش تناسب شیرینی ایجاد کرده (همو، ۱۳۷۲ش، ۴/۴۷۷؛ همو، ۱۳۹۱ش، ۸۵). و اینکه زیبایی کلام وابسته به برخی صنایع ادبی همچون فخر و هجو و مدح و ... است را سه امتیاز اعجاز ادبی دانسته؛ (همو، ۱۳۷۲ش، ۴/۴۵۴) در حالیکه قرآن بدون وابستگی و عاری از آن‌هاست و با بکارگیری عناصر معنوی همچون توحید، نبوت، اخلاق، احکام، مواظ و قصص، اما در اوج زیبایی فصاحت و بلاغت قرار می‌گیرد (همو، ۱۳۹۱ش، ۸۴).

معرفت (۱۴۲۷ق) گزینش واژگان قرآن را دارای ویژگی‌های رعایت تناسب آوای حروف، تناسب معنوی و رعایت قوانین فصاحت و بلاغت می‌داند که حاصل آن روانی تلاوت، انسجام

مفهومی و عدم امکان جابه‌جایی حروف است (معرفت، ۱۳۹۸ش، ۳۰۰-۳۱۷). حُسن مَطَّلَع یا آغاز و حُسن خِتَام در سُورِ قرآنی (همان، ۳۳۴-۳۳۷) و همچنین دقت شگفت‌انگیز در ارائه نکات بدیع و ظرافت‌های فوق انسانی در بکارگیری انواع استعاره، تشبیه، کنایه و مجاز را موجب تحیر عرب و همگان از اعجاز ادبی قرآن می‌داند (همان، ۳۴۰-۳۴۲).

سیوطی (۱۴۳۴ق) اعجاز بلاغی را مطابقت کلام در مقتضی حال و دقت لفظ و واژگان محدود عربی در انطباق بر معنی مراد می‌داند که امکان جابه‌جایی الفاظ نیست؛ زیرا در این صورت ترکیب کلام و قدرت معنا بهم می‌ریزد (البوطی، ۱۴۲۰ق، ۱۳۶-۱۳۹). اعجاز بلاغی را دارای امتیازاتی همچون سبک انحصاری، ترکیب آهنگین، زیبایی ساخت جمله، تصویرگری ویژه و اعجاز در قصه‌های قرآنی معرفی می‌کند (همان، ۱۱۱-۱۹۳).

جوادی‌آملی ادبا، علما و حتی مخالفان را به وجود صنایع و هنرهای ادبی و بلاغت قرآن معترف می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۷ش، ۲۲۹). زبان قرآن را ناظر به آیه ۹۸ شعراء عربی مبین و متفاوت از عربی رایج دانسته و علت عجز عرب از همانندآوری معرفی می‌کند (جوادی‌آملی، صادقی، ۱۳۹۷ش، ۲۱۳-۲۱۴).

رهبری به ذکر دو امتیاز مشترک ادبی می‌پردازد؛ ارتباط قرآن با مخاطب با بهترین الفاظ و زیباترین شکل در راستای اهداف هدایتی‌اش بوده (رهبری، ۱۶ / ۰۲ / ۱۳۷۱)، و دارای جامعیت در تعالی تمامی جنبه‌های اعجاز لفظی قرآن است؛ زیرا هر صاحب فنی تنها در آن فن حاذق است و اگر وارد وجهی دیگر شود، موفق نیست، چنانچه اگر فردوسی وارد بزم و سعدی وارد رزم شوند، خود را در نظر اهل فن کوچک کرده‌اند. قرآن مرجع زیبانویسی زبان عربی برای اهل آن است (همان، ۱۶ / ۰۲ / ۱۳۷۱).

### ۲-۳-۳. بررسی سیر تحول اعجاز ادبی در وجوه مشترک ادبی قرآن در معاصر

از اولین مدافعان اعجاز ترکیبی و توأمان ادبی با تعدد آراء، معتزلی سنی و جریان شیعی از شیخ طوسی، خفاجی و شیخ طبرسی بودند. در ادامه افرادی چون راوندی شیعی و قرطبی، زرکشی و سیوطی از اهل سنت نظریات زیادی از وجوه اعجاز قرآن مطرح کردند که فراگیرانه تجمیعی از نظرات گذشتگان بود. تحول در بازنمایی وجوه مشترک ادبی برای اعجاز در محتوا و معنای هدایتگر قرآن با



زمینه‌سازی شوکانی و قنوجی آغاز و طالقانی با اعتقاد به اعجاز هدایتی به‌عنوان مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن بر نقش لفظ در معناسازی هدایتی قرآن تأکید می‌کند. علامه طباطبایی ریشه فصاحت و بلاغت را به تعبیری صنایع ادبی قرآن را اهداف والای قرآن می‌بیند و بر وجه تحوّل صنایع ادبی در راستای مقصود نزول قرآن تأکید دارد.

نقش مطهری در تبیین تعمیقی و شرح تحوّل مبنی بر جایگزینی توحید، نبوت و اخلاق و ... به جای صنایع ادبی بسیار مؤثر بود. تقلیدناپذیری قرآن حتی برای معصومان: از سوی ایشان استدلالی قوی و نو برای اثبات و تبیین اعجاز ادبی قرآن بود. معرفت و بوطی بر توسعه دیدگاه تحول در اعجاز ادبی تأکید دارند. رهبری به صراحت و مستقیم‌پلی از الفاظ به اهداف هدایتی ایجاد می‌کند و بر تحول وجوه مشترک ادبی در معاصر تأکید دارند.

پدیده این وجه، اعتقاد توأمانی به اعجاز فصاحتی و سبک، در عین پذیرش اعجاز در صرفه توسط خفاجی است.<sup>۱</sup>

خفاجی و ابن تمیه معتقد به تشکیک و مراتب فصاحتی و شیخ طبرسی معتقد به وجود مراتب بلاغی شدند که اثری از سیر توسعه تبیینی در اعجاز ادبی است. سکاکی و به تبع او امین‌الخولی با تعریف قرآن به بزرگترین اثر هنری عرب، بر جامعیت اعجاز ادبی قرآن توجه کرده و تأکید می‌دهند. میرزاهمدی اصفهانی، طباطبایی و جوادی‌آملی معتقدند زبان قرآن، عربی مبین و متفاوت از عربی ملحون، مخلوط یا رایج است.

قرطبی، کلبی، علوی، الجوزیه، ابن‌خلدون، ابوالسعود و شربینی از قدما و امین‌الخولی، سیدقطب، خویی، خمینی و جوادی‌آملی از معاصران، نقش شارح دیدگاه توأمانی اعتقاد به چند وجه از اعجاز ادبی قرآن هستند. سیر تطور تاریخی آرای قرآن‌پژوهان و تعدد وجوه مشترک و ترکیبی اعجاز ادبی حاکی از اقبال متأخران و معاصران به رد تک‌وجه‌نگاری فصاحت و بلاغت و یا نظم ویژه قرآنی

<sup>۱</sup> در حالیکه مبنای قول صرفه، پذیرش عامل برون‌متنی، و مبنای پذیرش فصاحت و سبک قرآن، عدول از عامل برون‌متنی

به درون متنی بود!

است، که خود مؤیدی بر چند وجه‌انگاری و زمینه‌ای برای طرح «همه وجوهی معقول و مستند به نصوص دینی» در نظام اعجاز قرآنی است (جوان، ۱۴۰۲ش، ۱۸۲-۱۸۹).

## نتایج

۱. توفیقی و الهی بودن الفاظ و حفظ الهی آن با سیر فزاینده آراء و جوه اعجاز، حاکی از حقیقتی واحد برای اعجاز قرآن دارد.
۲. پژوهش حاضر نظام‌واره‌ای از اعجاز قرآن پیشنهاد می‌کند که ناظر به حقیقت و جوه اعجاز، همه وجوه معقول و مستند اعجاز را به‌سان اصلی ثابت ذیل هدفی مشترک، با قدرت شمولی بر وجوه معهود از عصر نزول تا قیامت دربرمی‌گیرد.
۳. اعجاز ادبی شامل؛ وجوه برجسته فصاحت و بلاغت، نظم و اسلوب تألیف و جوه مشترک ادبی است.
۴. سیر تاریخی مبتنی بر نظام‌واره اعجاز حاکی از سیر رشد شناختی قرآن پژوهان در فهم و ترسیم ارتباط اعجاز لفظی و ادبی با اعجاز معنوی بود. به‌طوری که وجوه اعجاز ادبی، مقدمه، ابزار و لباسی وزین برای توجه به اعجاز معنوی است و همگی عامل هدایت معرفی می‌شود.
۵. توفیقی بودن الفاظ قرآن و مصونیت آن از تحریف لفظی، اعجاز ادبی را قابل اعتنا، معتبر و پشتوانه قوی و مستحکمی برای اعجاز معنوی و فراوجهی قرآن مبدل می‌کند.
۶. سیر تاریخی از منظومه آرای فریقین در اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن حاکی از تحول‌آفرینی برخی از قرآن پژوهان شیعی از میرزامهدی اصفهانی تا علامه معرفت است که بر ارتباط لفظ و معنا تأکید داشته و فصاحت و بلاغت را لباسی زیبا برای هدایتگری و سعادت بشر معرفی کردند. و تلاش جریان سنی بیشتر مصروف مقدمه‌سازی، توسعه و تبیین‌گر این وجه مهم بود.
۷. ارتباط لفظی و معنوی در وجه نظم، اسلوب و ترکیب ویژه از سوی جریان سنی از جاحظ تا زرقانی مطرح شد، اما تحول آن مبنی بر ترسیم نقش آن وجوه در بازنمایی معانی محیرالعقول از سوی جریان شیعی با مقدمه‌سازی علامه طباطبایی و تحول‌سازی جوادی‌آملی ایفا شد.
۸. آراء مشترک یا چند وجهی اعجاز ادبی رشد فزاینده داشته و جریان شیعی از طوسی، خفاجی و طبرسی پیشتازان آن بودند. نقش تحول در مرتبط‌سازی وجوه مشترک و ترکیبی ادبی با مقصود

محتوا و هدایتگری قرآن با زمینه‌سازی شوکانی و قنوجی بود و با آراء دراز، طالقانی، طباطبایی، مطهری، معرفت، بوطی و خامنه‌ای تقویت شد و مستندی برای فراوجهی اعجاز شد. ۹. شگفتی اعجاز ادبی قرآن پیروزی تحلیلی به مخاطبانی مدعی و برتری‌جو بود که خود را سرآمد فنون ادبی دانسته اما به شهادت تاریخ عاجز شدند.

### منابع

#### \* قرآن کریم

#### \* نهج البلاغه

۱. ابن تیمیه، تقی‌الدین (۱۳۷۵ق)، *جواب اهل العلم و الايمان*، قاهره: المطبعة السفینه.
۲. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۹۹۴م)، *الفوائد المشوق الى علوم القرآن و علم البيان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۱ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
۵. اصفهانی، مهدی (بی تا). *انوار الهدایه*، خطی.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد، رجایی، مهدی (۱۹۹۰م)، *غررالحکم*، تصحیح: رجایی، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۷. باقلانی، ابوبکر (۱۴۰۶ق)، *اعجاز القرآن*، الطبعة الاولى، تحقیق: شیخ عمادالدین احمد حیدر، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.
۸. البلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۹. البوطی، محمدسعید رمضان (۱۴۲۰ق)، *من روائع القرآن*، بیروت: موسسه الرسالة.
۱۰. پیری سبزواری، حسین (۱۳۸۰ش)، *جلوه‌ای از اعجاز هنری قرآن از دیدگاه سیدقطب*، گلستان قرآن، شماره، ۱۰۵.
۱۱. جوان، جواد (۱۴۰۲ش)، *سیر تحول اعجاز قرآن در دوره معاصر*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.

۱۲. جناب‌زادی، سلطان علی‌شاه (۱۴۰۸ق)، *بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، *وحی و نبوت در قرآن*، قم: نشر اسراء.
۱۴. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش)، *قرآن در قرآن*، قم: اسراء.
۱۵. جوادی‌آملی، عبدالله، صادقی، حسن (۱۳۹۷ش)، *اعجاز قرآن در اندیشه و آثار آیت الله جوادی‌آملی*، قم: نشر اسراء.
۱۶. الحلی، حسن بن یوسف (بی‌تا)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مکتبه المصطفوی.
۱۷. الحنفی، محمدشرف (۱۳۹۰ق)، *اعجاز القرآن البیانی*، الجمهوریه العربیه المتحده: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۱۹. خطابی، حمد بن محمد (بی‌تا)، *بیان اعجاز القرآن*، تصحیح: محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، مصر: دارالمعارف.
۲۰. خفاجی، ابن سنان (۱۹۵۳م)، *سر الفصاحه*، تصحیح: عبدالمتعال الصعیدی، مصر: بی‌جا.
۲۱. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ش)، *آداب الصلاه*، چاپ ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. الخولی، امین (۱۹۶۱م)، *مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب*، قاهره: بی‌جا.
۲۳. خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش)، *البیان فی تفسیر القرآن*، مترجم: محمدصادق نجمی، هاشم هاشم‌زاده‌هریسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی.
۲۴. دراز، عبدالله (۱۹۸۵م)، *النباء العظیم*، کویت: دارالقلم.
۲۵. الرافعی، مصطفی صادق (۱۳۹۳ق)، *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه*، الطبعة التاسعه، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۶. راغب‌اصفهان‌ی، محمد (۱۴۰۵ق)، *مقدمه جامع التفاسیر مع تفسیر الفاتحه و مطالع البقره*، تحقیق احمد حسن فرحات، کویت، دارالدعوه.
۲۷. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه الامام المهدی (ع).

۲۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، چاپ پنجم، رشت: کتاب مبین.
۲۹. رمانی، علی بن عیسی (بی تا)، *النکت*، تصحیح: محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، مصر: دارالمعارف.
۳۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۳۸۵ش)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ترجمه: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۱. زرکشی، بدرالدین (۱۹۵۷م)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء.
۳۲. الزملکانی، عبدالواحد بن عبدالکریم (۱۳۹۴ق)، *البرهان الکاشف عن اعجاز القرآن*، تحقیق: احمد مطلوب، عراق: داراحیاء التراث الاسلامی.
۳۳. سکاکی، سراج الدین (بی تا)، *مفتاح العلوم*، مصر: الحلبي.
۳۴. سیدی، سیدحسین (۱۳۹۲ش)، *سیر تاریخی اعجاز قرآن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۸ق)، *معتکرات الاقرآن فی اعجاز الاقرآن*، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. شبّر، سیدعبدالله (۱۴۱۸ق)، *حقّ الیقین فی معرفه اصول الدین*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. شحاته، عبدالله محمود (۱۹۷۶م)، *اهداف کل سوره*، مصر: بی جا.
۳۸. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، *فتح القدر الجامع بین فنی الراویه و الداریه من علم التفسیر*، دمشق: دارابن کثیر.
۳۹. صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ق)، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، تلخیص: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. طالقانی، محمود (۱۳۵۸ش)، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲ش)، *اعجاز قرآن*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۴۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸ش)، *شیعه در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۱ش)، *قرآن در اسلام*، قم: بوستان کتاب قم.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن و دیگران (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن و دیگران (۱۳۵۰ش)، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، تهران، فراهانی.
۴۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تاویل آی القرآن*، بیروت: دارالکتب العمليه.
۴۸. عبدالجبار، ابی‌الحسن اسدآبادی (بی‌تا)، *المعنی فی أبواب التوحید و العدل*، بی‌جا.
۴۹. عبداللهی و اشان، لطفعلی، معارف، مجید (پاییز ۱۳۹۹ش)، *بررسی اعجاز محتوایی و شاخصه‌های آن در نگاه فریقین در سیر اعصار*، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۴۲.
۵۰. عبداللهی و اشان، لطفعلی و دیگران (بهار و تابستان ۱۴۰۱ش)، *بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید مفسران فریقین*، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، شماره ۱۵.
۵۱. علوی، یحیی بن حمزه (۱۹۹۵م)، *الطراز*، تصحیح عبدالسلام شاهین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۲. غلامی، اصغر (۱۳۸۷ش)، *اعجاز و تحدی قرآن از نظر آیت الله میرزامهدی اصفهانی*، سفینه، شماره ۲۱.
۵۳. فاضل‌لنکرانی، محمد (۱۳۸۱ش)، *مقدمات بنیادین تفسیر*، مترجم: محمدرسول دریایی، تهران: انتشارات بنیاد قرآن و عترت.
۵۴. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰م)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۵. فیروزآبادی، ابوطاهر (بی‌تا)، *بصائر التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، بی‌جا.

۵۶. قاضی عیاض (۱۹۸۶م)، *الشفأ بتعریف حقوق المصطفی*، عمان: دارالفیحا.
۵۷. قدوسی زاده، حسن (۱۳۹۰ش)، *اصطلاحات سیاسی و فرهنگی*، قم، دفتر نشر معارف.
۵۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۹. قطب، سید (۱۹۹۵م)، *التصویر الفنی فی القرآن*، بیروت: دارالشروق.
۶۰. قطب، سید (۱۹۹۶م)، *فی ظلال القرآن*، قاهره: دارالشروق.
۶۱. کلبی، ابن جزئی (۱۳۹۳ق)، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۳۶۳ش)، *الکافی*، محقق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۶۳. کمالی دزفولی، علی (۱۳۵۴ش)، *قانون تفسیر*، تهران: کتابخانه صدر.
۶۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۵. محمدرشید، رضا (۱۴۱۴م)، *تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفه.
۶۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲ش)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
۶۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱ش)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (۳) \_ وحی و نبوت*، قم: صدرا.
۶۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۸ش)، *علوم قرآنی*، قم: التمهید.
۶۹. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۰. مکارم‌شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۷۱. ملکی میانجی، محمدباقر (۱۳۷۷ش)، *نگاهی به علوم قرآنی*، چاپ اول، ترجمه: علی‌نقی خدایاری، قم: نشر خرم.
۷۲. ملکی میانجی، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، *مناهج البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: موسسه الطباعه و النشر و وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۷۳. مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۶ش)، *اعجاز قرآن*، چاپ پنجم، قم: نشر المصطفی ۹.

۷۴. مؤدب، سیدرضا، جوان، جواد (۱۴۰۰ش)، *تلخیص تحلیلی و جدولی از کتاب اعجاز قرآن*، تهران، ارشدان.

۷۵. نقی‌پور، ولی‌الله (شهریور ۱۳۷۹ش)، *جلوه‌هایی از اعجاز ادبی قرآن کریم*، مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۴.